



کیلومتری از مرزهای نوار غزه شدند که مهم‌ترین دستاورد بزرگ ابوالعطاء و نیروهایش بود. این در حالی بود که اشغالگران به دنبال این بودند که جنگ زمینی در نوار غزه را کلید بزنند.

#### ◀ نقش مؤثر منطقه‌ای

سردار بهاء ابوالعطاء نامی بود که از آسمان فلسطین هم فراتر رفت. نام او حتی پس از شهادتش در سفرهای فلسطینیان به لبنان و جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار شد و نیز در اعترافات اشغالگران که گفته بودند: «اگر بخوایم محور مقاومت را در سه نفر تعریف کنیم باید از این سه تن نام ببریم: قاسم سلیمانی در ایران، عماد مغنیه در لبنان، بهاء ابوالعطاء در فلسطین.»

هنگامی که هیأت مذاکره‌کننده مصری به نوار غزه وارد شدند، مقامات سازمان اطلاعات مصر برای مذاکره از طریق میانجی‌گری بین جنبش جهاد اسلامی و اشغالگران، اصرار داشتند که با فرمانده ابوالعطاء دیدار کنند.

شاید در میان مصری‌ها این احساس وجود داشت که این فرمانده، «فردی سرسخت» است و هیچ‌کس نمی‌تواند او را دور بزند یا توانایی‌های او را محاصره کند. رسانه‌های عبری همچنین اذعان می‌کردند که اگر مذاکره‌کننده مصری می‌خواهد به یک «توافق» در مورد «نوعی آتش‌بس» بین جنبش و طرف مقابل برسد، باید با ابوالعطاء مذاکره می‌کرد.

#### ◀ فریاد طلوع: پاسخ به ترور رهبر

پس از اینکه یگان‌های ارتش اشغالگر صهیونیستی، ابوالعطاء را با موشک‌های هوا به زمین که منزلش را در محله الشجاعیه غزه هدف قرار داد، ترور کردند، گردان‌های القدس یک رزمایش پلکانی را آغاز کرد که آن را «فریاد طلوع» نامید. پاسخ به این ترور، رگبارهای موشکی «براق ۱۲۰» بود که شهرک‌ها و مناطق اشغالی را مورد اصابت قرار داد. این حملات، پیام‌های نظامی و راهبردی متعددی را از جمله به قدس اشغالی، حضره، تل‌آویو، عسقلان و نتیفوت ارسال کرد که نشان می‌دهد ترور فرمانده، عزم گردان‌های القدس و جنبش جهاد اسلامی را خدشه‌دار نمی‌کند و آن‌ها قادر به شروع حمله و مدیریت نبرد هستند.

#### ◀ پیام به خانواده شهید سلیمانی

دختر شهید بهاء ابوالعطاء، پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی برای «زینب» دختر او، پیامی ویدئویی فرستاد و گفت: «من دختر فرمانده شهید، بهاء ابوالعطاء هستم. به خانواده سپهبد قاسم سلیمانی تسلیت گفته و همچنین شهادت او را به آن‌ها تبریک می‌گویم. به دخترش زینب تسلیت عرض می‌کنم و می‌گویم که خون پدرم و پدرت امانتی در دست رهبران فلسطینی و ایرانی است. زیرا قاسم سلیمانی از ملت فلسطین، پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌کرد.»

#### ◀ از جان ما چه می‌خواهند؟

لیان دختر ۱۰ ساله شهید ابوالعطاء می‌گوید که پدرش را زیاد ندیده بوده و مادرش از او خواسته که خوب درس بخواند تا روز بعد پدرش را ببیند و با او جشن تولد بگیرد اما او با گریه می‌گوید: «صدای انفجار را شنیدم و بدون اینکه کسی صدایم را بشنود شروع به صدا زدن مادر، پدر و برادرانم کردم تا اینکه برادرم اسماعیل آمد و مرا از خانه به بیمارستان برد. من مدام سراغ پدرم را می‌گرفتم ولی کسی جوابم را نمی‌داد.»



پدرم آمده بود تا مادرم را با خود ببرد، او همیشه می‌گفت: «من برای پدرت غصه نمی‌خورم چون با او شهید می‌شوم.» لیان با پدر شهیدش خداحافظی کرد و فریاد زد: «از ما چه می‌خواهند؟ از ما چه می‌خواهند؟ پدرم برای تولد من آمده بود.»